

قانون استقلال و کلای دادگستری

با اشاره باصول ۷ و ۸۱ قانون مقدس اساسی - و برطبق قوانین و آئین نامه هائی که ذیلا به آنها اشاره میشود . قوه قضائى که متشکل از قضات و وکلای دادگستری میباشد . هر دو متضامناً حافظ و نگهبان اجرای عدالت و حکومت قانون بوده و بنا به گفته یکی از دانشمندان عالیمقام فرانسه . قوه قضائى در تمام کشورها اعم از مشروطه و جمهوری بمنزله برج دیدبانى استقلال کشور و حکومت قانون بوده و رسالت و مسئولیت بزرگی در مقابل تاریخ و نسلهای آینده دارند .

صحیح است که تدوین قانون استقلال و کلای دادگستری بموجب قوانین ناشی از اختیارات و بعداً تصویب مجلسین در اسفند ۳۳ بوده ولی این استقلال از بدو تأسیس دادگستری بموجب قانون اساسی به قوه قضائى داده شده و بعداً به پیروی از رویه تمام کشورهای متمدن . اداره جامعه و کلاء از سازمان قضات تفکیک گردیده و تفکیک مزبور نه فقط مقتضى فطرت استقلال قوه قضائى بود در مقام عمل معلوم شد که وکلای دادگستری استقلال را بسود جامعه و کشور و محدودیت کادر و کالت تعبیر و اجراء نموده و ابواب ورود به جامعه و کالت را محدود و محصور به جوانان تحصیلکرده نموده و رسالت خود را در مورد نسلهای آینده کاملاً ملحوظ و اساس کار قرار دادند توجه کانون و کلاء باین مسئله و مال اندیشی که در ماده ۷ قانون استقلال مقرر شده ، سبب آن شد که امروز نه فقط صدی هشتاد و کلای دادگستری از شخصیت های علمی درجه اول کشور میباشند تمام آنها حداقل لیسانسیه و اکثر آنها دکترای حقوق و آشنا به قوانین بین المللی بوده و کانون و کلاء طوری عمل نموده که شاید تاده سال دیگر ، اصلا وکیل پایه ۳ و ۲ وجود نداشته و تمام وکلای ایران را افراد تحصیلکرده و آشنا به السنه خارجه تشکیل داده است و قوانین زیر روشن میسازد که وکلای دادگستری تاچه حد به معانی واقعی استقلال و اجرای برنامه هائی که بتواند ، وکلای ایران را همردیف وکلای کشورهای مترقی درآورد ، از هیچ اقدامی فروگذاری ننموده است . واینکه

ذیلا به چند فقره از قوانین مزبور اشاره و سپس مقررات آنرا با قانون و آئین نامه قانون استقلال مورد مطالعه قرار میدهد .

- ۱ - اولین قانون وکالت مصوب ۱۳۱۴ (با اشاره بمواد آن)
 - ۲ - قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ - با اشاره به مواد آن - مصوب بهمن ماه ۱۳۱۵
 - ۳ - قانون تشکیلات دادگستری - همدیف قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵ با اشاره به مواد ۲ و ۲۲ و ۲۶ قانون مزبور و آئین نامه های مواد مزبور - مصوب دی ماه ۱۳۱۵
 - ۴ - قانون استقلال با اشاره به ماده ۷ و ۲۲
 - ۵ - مواد ۲۹ و ۳۰ و ۳۳ و ۳۴ آئین نامه قانون استقلال
- الف - بعد از تشکیل دادگستری - و تدوین قانون تشکیلات برای انتخاب قضات برنامه امتحانی مقرر شد که شرط ورود بخدمت قضائی امتحان بود .
- ب - بعد از انحلال دادگستری در اسفند ۱۳۰۵ و تشکیل مجدد . ضمن آنکه وزیر دادگستری اختیار انتخاب قضات را تحصیل نموده و دادگستری را تشکیل داد - مع هذا برای تکمیل کادر قضائی دو دوره کلاس قضائی را تشکیل داده و با کلاس مزبور کادر قضائی را تکمیل نمود .
- ج - تا سال ۱۳۱۴ ورود بجامعه وکلاء محدود و مشروطه نبوده و هر کس میتواند در دادگستری وکالت کند با اینحال ملاحظه مجله شماره ۲۵ کانون و تشکیلاتی که خود وکلاء در سال ۱۳۰۹ دایر نمودند ثابت می کند که قبل از محدودیت جامعه وکلاء خود وکلای دادگستری با توجه به مسئولیت تضامنی که باقضات داشتند اساس کانون وکلاء را پی ریزی نموده و مؤسسين آن وکلای مرکز از شخصیت های علمی و اجتماعی درجه اول کشور بوده و وجود و نظارت عالیه آنها سبب شده بود هر کس هوس وکالت دادگستری را نکرده اگر هم میخواست وکالت کند کسی به آنها کار رجوع نموده مگر اینکه در دفتر یکی از وکلای با شخصیت کارآموزی و تحت تعلیمات او بتواند کاری انجام دهد - دفتر وکالت هر یک از مؤسسين کانون و اداره معاضدت در سال ۱۳۰۹ تشکیل می شد از چندین نفر وکلای دیگر دادگستری که خود کارآموزان مزبور هر یک دارای مقام علمی بوده والا نمی توانند اجازه وکالت را در دفتر وکلای درجه اول تحصیل کند .

قسمت اول

- در سال ۱۳۱۴ اولین قانون وکالت تصویب گردیده و اشتغال به وکالت به ۵ درجه تقسیم و اخذ پروانه وکالت مشروط به ۵ شرط شد.
- ۱ - امتحان عمومی در تهران و مسافرت جناب آقای عبده به تمام ایران و گذراندن مواد امتحانیه مذکور در قانون.
 - ۲ - گواهی نامه کلاس قضائی.
 - ۳ - گواهی نامه لیسانس و مافوق لیسانس از دانشگاههای داخله و خارجه
 - ۴ - امتحان سالیانه باتعیین مواد امتحان
 - ۵ - مسابقه وکالت و قضاوت که دادگاه انتظامی صلاحیت را احراز نموده باشد.

قسمت دوم

- با اینکه از تاریخ اجرای قانون وکالت چند ماه نگذشته بود - مع هذا دو فقره قانون تشکیلات و وکالت در سال ۱۳۱۵ به مجلسین پیشنهاد و تصویب شد که قانون وکالت و شرایط آن محدودتر شده و درجه وکالت سه درجه و اعطای پروانه پایه ۱ و ۲ موقوف به داشتن گواهی نامه علمی لیسانس و مافوق لیسانس قرار داده شده و گواهی نامه کلاس قضائی و یا امتحان مواد قانونی بوده .
- اما برای ورود به خدمت قضائی و تکمیل کادر قضائی - علاوه بر تأسیس دوره سوم کلاس قضائی - از سه طریق مقرر شد.
- ۱ - امتحان مدیران دفاتر و بایکانها در صورت موفقیت رتبه اداری آنها به قضائی تبدیل میشود.
 - ۲ - تبدیل رتبه اداری به رتبه قضائی - کارمندان اداری که وزیر دادگستری صلاحیت آنها را احراز نماید.
 - ۳ - امتحان دوره سوم آموزشگاه قضائی طبق آئین نامه .
- و بدیهی است در قانون تشکیلات نیز - به دارندگان گواهی نامه علمی لیسانس و مافوق لیسانس ارزش بیشتری داده شد.

قسمت سوم

با اشاره به ماده ۷ و بندهای ۱ و ۲ تبصره ماده ۷ قانون استقلال بعد از اجرای قانون استقلال - نه فقط کانون و کلاء اعطای پروانه و کالت را توسعه نداده و از استقلال بسود خود استفاده ننموده بلکه بالعکس - ورود به جامعه و کالت را منحصراً بداشتن گواهی نامه لیسانس و مافوق لیسانس و پایان رساندن دوره کارآموزی عملی و گذراندن اختبار نموده و چه بسا یک کارآموز مکلف بود که عملاً دوره کارآموزی را خوب انجام داده و در اختبار موفق شود والا کمیسیون کارآموزی مجدداً دوره کارآموزی او را تمدید می نمود - و علاوه از مدارک علمی، طی مرحله کارآموزی شرط اساسی قرار داده شده و فقط قضات حتی با دو سال سابقه از دوره کارآموزی معاف شدند. (در صورتیکه کانون و کلاء این آوانس را حتی به وکلای دادگستری نداده و با فرض عالی ترین گواهی دکترای حقوق داشته باشد طی دوره کارآموزی برای آنها با سایر مستخدمین دیگر دولت که سالها با گواهی علمی و در رشته قضائی وزارتخانه ها انجام وظیفه می نمودند لازم شمرده).

ولی از توجه به تبصره ۲ ماده ۷ قانون استقلال و توجه به قانون تشکیلات قضائی ثابت میشود کانون و کلاء به قضات ولو اینکه باستناد گواهی نامه کلاس قضائی یا دانشکده معقول و منقول و یا برابر مواد ۲۱ و ۲۲ قانون تشکیلات رتبه قضائی تحصیل نمودند - با دو سال سابقه بدون کارآموزی، پروانه و کالت میدهد و تصمیم اخیر هیئت مدیره که در واقع براساس ماده ۷ قانون استقلال است مؤید و مثبت سه حقیقت است.

با اشاره به ماده ۲۲ قانون استقلال و ۲۹ و ۳۰ آئین نامه سه حقیقت روشن میشود.

اول - با آنکه برابر ماده ۲۲ قانون استقلال - تدوین آئین نامه و اداره تمام امور به خود کانون محول شده مع هذا - برابر ماده ۲۹ آئین نامه کانون مداخله قضات را در مورد تعداد و کلاء و تطبیق دادن عملیات خود با کادر قضائی ملحوظ داشته.

دوم - در مقام صدور پروانه - غیر از قضات دادگستری - تمام جهات را ملحوظ داشته .

سوم - خود ماده ۷ استقلال و حقوق جوانان تحصیلکرده که تقاضای پروانه آنها متصل به فراغت از تحصیل نموده عملاً ملحوظ و در ضمن تصمیم اخیر توجه به این امر را مورد رأی قرار داده است .

و مجموعه توضیحات و مواد فوق نشان میدهد که استقلال قضات و وکلای دادگستری اصل مسلط لاینفکی است که اساس اصول قانون مقدس اساسی بوده و هر دو مستقلاً متضامناً و مشترکاً وظیفه دار اجرای قانون میباشد .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی